

... در خصوص اوراقی که نزد آن جناب ارسال شده مرقوم فرموده بودید.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۲۲

... در خصوص اوراقی که نزد آن جناب ارسال شده مرقوم فرموده بودید. هر نوع مصلحت بدانید مجری فرمائید. البتّه مقصد و مراد در نزد اهل قلوب صافیه واضح و مشهود است. از اینگونه اوراق بسیار منتشر خواهد شد ولی صاحبان بصر و موشکافان و واقفان اسرار الهیه می دانند و می فهمند و ادراک می کنند. اگر جمیع من فی الغیب و الشهود جمع گردند و بخواهند کلمه ای من عند انفسهم القا نمایند چون صرافان ملکوت ابهی زر خالص را از مغشوش جدا کنند و تمیز دهند. مشامی که از نفحات قدس مطهر و معطر و معنبر از روائح متغیره متنفره ابداً مختل نگردد و از القای شبهات مضطرب نشود بلکه سبب ثبوت و رسوخش گردد چنانکه این قضیه در جمیع جهات مشهود شده. باری آن جناب به حقیقت مقاصد چنانچه باید و شاید مطلع، چه احتیاج به اسباب و اطباب. انشاءالله از نفوسی معدود گردید که مطلع تحسین اهل ملکوت ابهی شوید و به آنچه سبب نجات و حیات کلّ است متشبث گردید و از عبادی محسوب شوید که می فرماید لا تأخذهم فی الله لومة لائم تا باب عنایتی که در یوم ظهور بر روی شما گشود روز بروز وسعت و فسحت یابد و شجره امید ثمره جدید بخشد و چشمه آمال به جوش آید و قوت تأیید ملکوت ابهی ظاهر گردد. قسم به آن تبسم های جانافزا که دیدی که اگر نفسی الیوم چنان که باید و شاید قدم استقامت بنماید کون را خادم خویش کند و امکان را در ظلّ خود ملاحظه نماید جرب تطرب.

اما در خصوص معاونت در جواب حضرات تا به حال اجوبه شتی متتابعاً از اطراف وارد و این عبد جمیع را مخفی نمودم و ابراز ندادم چه که خوش نداشتم این اجوبه را واسطه تبلیغ و ترویج باشم چه که با کسی کلفتی



ORIGINAL



AUDIO

ندارم، من شاء فليؤمن بميثاق الله و من شاء فليعرض ان ريبك لعل صراط مستقيم. با وجود اين چگونه امر به معاونت در جواب نمايم. اين بسته به ثبوت و رسوخ هر شخص است که حبا لله و استقامه على عهده و ثبوتاً على ميثاقه و حفظاً لامره و صيانه لخصن حصينه در جرگه جنود ملکوت ابهى داخل و به جميع قوى لساناً قلباً به نشر ميثاق و ردع اهل شقاق پردازد. اين از آثار فتوح و علائم حیات روحست. بايد انسان طوعاً و شوقاً و حبا و انجذاباً و وفاء اقدام نمايد و تأييد و توفيق و تحسين از ملکوت ابهى طلبد. تعلقى به اين عبد ندارد. اين عهد را جمال قدم روحى لترتبه الفداء گرفت و او حامى و معين متشبثين است. البته وانگذرد و اغماض نفرمايد. عن قريب متزلزلين را در خسران مابين افکند. اين ايام عبد معدودى چند بوده به ظل جوار رحمة کبرى فرار خواهم کرد و از توقيير و تحقير هر دو آزاد خواهم شد و در ظل شجره انيسا آرام خواهم نمود. از جميع دوستان مستدعيم که دعائى در حق اين عبد نمايند که چنانچه آرزوى دل و جانست به عبوديت آستان مقدس موفق گردم و بس. ديگر آمالى ندارم و راحتى نجويم و نعمتى نخواهم و عزتى نطلبم و سرورى تحرى نکنم و سنگ جفا را به کمال وفا تحمل کنم و نسبت شرک و کفر و ارتداد را به کمال صبر و سکون تحمل نمايم. ولى پشت و پناهم حى قدير است و معين و نصير شهريار فلک اثير، فسيعلم الذين ظلموا ابي منقلب ينقلبون...